

# مقایسه استدلال جامعه‌پسندانه کودکان کم‌توان هوشی و عادی بر اساس جنسیت آن‌ها در شهر

## تهران

### عطیه بابایی<sup>\*۱</sup>

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و پنجم، آبان ماه ۱۳۹۷، صفحات ۷۳-۵۸

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه استدلال جامعه‌پسندانه کودکان کم‌توان هوشی و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی بر اساس جنسیت آن‌ها در شهر تهران است تا مشخص شود که الگوی جامعه‌پسندانه کودکان در این شرایط فرهنگی و اجتماعی تا چه حد با الگوی ارائه‌شده از سوی آیزنبرگ انطباق دارد و سطح استدلال جامعه‌پسندانه کودکان کم‌توان هوشی و عادی چگونه است و هرکدام از چه مراحل پیروی می‌کند. بدین منظور ۱۲۰ نفر از کودکان (۶۰ کودک عادی، ۶۰ کودک کم‌توان هوشی و به تفکیک جنسیت) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای به‌وسیله سه معمای محقق ساخته مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که سطح استدلال جامعه‌پسندانه کودکان کم‌توان هوشی پایین‌تر از کودکان عادی است. همچنین سرعت پیشرفت دختران عادی در سطوح استدلال جامعه‌پسندانه نسبت به پسران عادی تا حدی بیشتری است و سرعت استدلال جامعه‌پسندانه دختران کم‌توان هوشی در سطح استدلال جامعه‌پسندانه نسبت به پسران کم‌توان تا حدی بیشتر است.

واژگان کلیدی: استدلال جامعه‌پسندانه، کودکان کم‌توان هوشی، کودکان عادی، جنسیت.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و پنجم، آبان ماه ۱۳۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
علوم رفتاری

## مقدمه

کودکان طی مراحل رشد شناختی همان‌طور که پدیده‌ی غیراجتماعی را درک می‌کنند، رویدادها و نهادهای اجتماعی را نیز طی مراحل پیش‌روندهای درک می‌کنند (هترینگتون و پارک، ترجمه ژالدفر، ۱۳۸۶)؛ و این مراحل مانند مراحل شناخت غیراجتماعی از عینی به طرف ذهنی تحول می‌یابد. کودکان ابتدا به ویژگی‌های قابل مشاهده و ظاهری و رفتار خود و دیگران توجه می‌کنند سپس به فرایندهای درونی، آرزوها، عقاید و مقاصد، توانایی‌ها و نگرش‌ها آگاهی می‌یابند (برک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). به این مهارت‌ها که شامل تفکر در مورد افکار، احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای خود و دیگران و نیز استدلال درباره‌ی انسان‌ها و روابط انسانی است شناخت اجتماعی گفته می‌شود (فلاول<sup>۲</sup> ۱۹۹۵، سیگلمن<sup>۳</sup> و شافر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱)؛ بنابراین مطالعه رشد شناخت اجتماعی<sup>۵</sup> مطالعه در این زمینه است که کودکان چگونه دیدگاه‌ها، احساسات، افکار و انگیزش‌های خودشان و دیگران را درمی‌یابند و درباره‌ی روابط اجتماعی و نمادهای اجتماعی چگونه فکر می‌کنند؛ بنابراین رشد اجتماعی پیرامون سه جنبه مهم سازمان داده‌شده است: تفکر درباره‌ی خود، تفکر درباره‌ی انسان‌ها و تفکر درباره‌ی روابط بین انسان‌ها (برک، ۱۹۹۸).

کودکان ابتدا به ویژگی‌های قابل مشاهده و ظاهری و رفتار خود و دیگران توجه می‌کنند سپس به فرایندهای درونی، آرزوها، عقاید و مقاصد، توانایی‌ها و نگرش‌ها آگاهی می‌یابند (برک، ۱۹۹۸). کودک در سایه پیشرفت مهارت‌های نقش‌گزاری (مشاهده جهان از چشم‌های دیگران) در برخورد با موقعیت‌ها، روابط اجتماعی و افراد به مهارت‌های ارتباطی رشد یافته تری دست یافته و قادر می‌شوند در اعمال اخلاقی مانند سهم کردن دیگران، کمک به نیازمند، همکاری یا دیگران و ابراز همدردی به‌عنوان رفتارهای جامعه‌پسندانه

---

<sup>1</sup> Berk

<sup>2</sup> Flavell

<sup>3</sup> Sigelman

<sup>4</sup> Shaffer

<sup>5</sup> Social cognition

معیارهای اخلاقی ترا نیز در نظر بگیرند (کیالدینی<sup>۱</sup>، باومن<sup>۲</sup> و کندریک<sup>۳</sup> ۱۹۹۸، به نقل از هاوجس، ۲۰۰۰).

کودکان و افراد بالغ اغلب اوقات برای کمک به دیگران، با تصمیم‌گیری‌هایی روبرو می‌شوند که هزینه‌هایی برایشان در پی دارد. گاهی اوقات این تصمیم‌گیری‌ها دشوار هستند چون در موقعیت‌هایی رخ می‌دهند که رهنمودهای خارجی<sup>۴</sup> یا اصلاً وجود ندارد یا این که آن رهنمودها واضح و روشن نیستند. نحوه‌ی تصمیم‌گیری در این گونه محیط‌ها محور توجه پژوهشگرانی است که به استدلال اخلاقی جامعه پسندانه<sup>۵</sup> علاقه‌مندند (استنبرگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

استدلال جامعه پسندانه عبارت است از نحوه تفکر فرد در مورد فعالیت‌های جامعه پسندانه و اعمال اخلاقی چون تشریک‌مسابی، همکاری، نوع‌دوستی و کمک به دیگران در موقعیت‌ها و روابط اجتماعی (موسن<sup>۷</sup> و آیزنبرگ، ۱۹۹۸). شرم، گناه، همدلی و پشیمانی در زمره هیجانات<sup>۸</sup> جامعه پسندانه هستند که همه‌ی آن‌ها به خاطر احساس ناراحتی از انجام کاری است که بر طبق ارزش‌های فرد یا عاملان دیگر که عقایدشان دارای ارزش است، اشتباه به نظر می‌رسد. چادها<sup>۹</sup> و میسرا<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود به جستجوی ماهیت و رشد و تعامل الگوهای استدلال جامعه پسندانه و رفتار بچه‌های هندی (به تعداد ۱۶۷ نفر) سنین ۵ تا ۱۴ سال در محیط‌های طبیعت‌گرا<sup>۱۱</sup> پرداختند. استدلال جامعه پسندانه کودکان در محیط زندگی واقعی به وسیله تشخیص موقعیت‌های قدرت، تنبیه<sup>۱۲</sup> نگرانی

---

<sup>1</sup> Cialdini

<sup>2</sup> Baumann

<sup>3</sup> Kendrick

<sup>4</sup> Formal External Guidelines

<sup>5</sup> Prosocial Moral Reasoning

<sup>6</sup> Eisenberg

<sup>7</sup> Mussen

<sup>8</sup> Prosocial Emotions

<sup>9</sup> Chadha

<sup>10</sup> Misra

<sup>11</sup> Naturalistic Contexts

<sup>12</sup> Authority Punishment

در مورد نیازهای دیگران، تشخیص سود<sup>۱</sup> متقابل، احترام به درخواست‌های صورت گرفته، مشخص شده بود، جهت‌گیری<sup>۲</sup> نسبت به نیازهای فیزیکی دیگران و احترام به درخواست‌ها تقاضاها همراه با سن افزایش یافته بود. بعضی از اختلافات جنسی در استدلال جامعه پسندانه ای یافت نشد که بی‌ارتباط با استفاده از هر مقوله استدلالی باشد. در بیشتر موارد از رفتار غیر جامعه پسندانه کودکان می‌توان احساس نیاز به رفتار جامعه پسندانه را درک کرد. این مشاهدات و یافته‌ها از جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی و متدلوزیکی مورد بحث قرار گرفتند. آیزنبرگ و همکارانش (۱۹۹۵) در تحقیق خود راجع به رفتارهای جامعه پسندانه کودکان و جوانان ۱۰ تا ۲۰ سال به این نتیجه رسیدند که رفتار جامعه پسندانه کودکان و جوانان معمولاً به‌طور مثبت به استدلال نیازمداری<sup>۳</sup> (همدلی اولیه) و به‌طور منفی به استدلال لذت جویانه مربوط می‌باشد. به‌علاوه گاهی اوقات به‌طور مثبت با یک اندازه‌گیری مرکب از استدلال اخلاقی جامعه پسندانه مخصوصاً در سنین ۱۵-۱۶ تا ۱۹-۲۰ مربوط می‌باشد. استنبرگ و همکاران (۱۹۹۵) در اندازه‌گیری استدلال اخلاقی جامعه پسندانه با یک کاغذ و قلم، تعدادی اختلافات جنسی را مورد بررسی قرار دادند. به‌عنوان مثال، دختران ایالات متحده در استدلال اخلاقی درونی شده نمره بالاتر و در تائید مداری نمره پائین تری نسبت به پسران کسب کردند؛ و همچنین در استدلال تصور قالبی دخترها نمره‌شان از پسرها بالاتر بود و به خاطر تشابهاتی که بین جوامع انگلیسی و آمریکایی و برزیلی در نقش‌های جنسی وجود دارد، به این نتیجه رسیدند که جوانان برزیلی اختلافات جنسی مشابهی با جوانان<sup>۴</sup> آمریکایی از خود نشان نمی‌دهند. در تحقیق دیگری که توسط خوش‌اقبال (۱۳۸۱) بر روی ۵۰ کودک کم‌توانی هوشی خفیف دختر و پسر در دامنه‌ی سنی ۱۰-۹ سال و ۵۰ کودک عادی دختر و پسر از نظر توانایی درک دیدگاه و رسش اجتماعی انجام گرفت مشخص شد که کودکان بهنجار در مقایسه با کودکان کم‌توان هوشی از درک دیدگاه و بهره اجتماعی بالاتری برخوردار بودند و بالا رفتن نمره اجتماعی پسران عادی، درک دیدگاه

<sup>1</sup> Mutualgain Orientation

<sup>2</sup> Orientation

<sup>3</sup> Needs - Oriented Reasoning

<sup>4</sup> Mental Retarded

آنان نیز رشد می‌کند این نتیجه در مورد دختران و کودکان کم توان هوشی به دست نیامده است. بین دو گروه کودکان عادی و کم توان هوشی از لحاظ همبستگی بین بهره اجتماعی و نمرات درک دیدگاه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود نداشت. کودک کم توان هوشی، به خاطر رفتار نامتناسب در موقعیت‌های اجتماعی که معلول ادراک‌های نادرست او از موقعیت‌های اجتماعی و ناتوانی در درک دیدگاه دیگران می‌باشد، اغلب به وسیله‌ی دیگران طرد می‌شوند (موفات<sup>۱</sup>، هانلی<sup>۲</sup>، دانلان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). به نظر می‌رسد که آن‌ها در آنچه که برای بیان روابط بین فردی سالم ضروری است مثل کنترل خود، سازگاری فردی و اجتماعی، همدردی دچار کاسنی و مشکل می‌باشند. آن‌ها از نظر اجتماعی دچار عدم کفایت بوده و در پرداختن به چالش‌های زندگی، ناتوان ظاهر می‌شوند. در واقع مطالعات بیانگر آن است که برای پژوهش بیشتر در مورد اینکه چطور افراد کم توان هوشی، بیان هیجانی دیگران را درک می‌کنند و پاسخ می‌دهند نیاز مبرمی وجود دارد. بر این اساس مسئله پژوهشی حاضر مقایسه استدلال جامعه پسندانه کودکان کم توان هوشی و عادی بر اساس جنسیت آن‌ها در شهر تهران است.

### روش پژوهش

در این پژوهش هدف پژوهشگر مقایسه سطوح استدلال جامعه پسندانه کودکان دختر و پسر کم توان هوشی و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی، درک و شناخت تغییرات آن در طول زمان است به گونه‌ای که کودکان پایه‌های مختلف از عادی و کم توان هوشی در خصوص یک متغیر بر اساس جنسیتشان به موازات هم مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این پژوهش شامل دو جامعه آماری است: جامعه آماری دانش آموزان کم توان هوشی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران: عبارت است از همگی دانش آموزان دختر و پسر کم توان هوشی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی که در مدارس ویژه کودکان کم توان هوشی آموزش پذیر در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ به تحصیل اشتغال دارند. جامعه آماری دانش آموزان عادی (بهنجار) پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران: عبارت است از همگی

<sup>1</sup> Moffat

<sup>2</sup> Hanley-Maxwell

<sup>3</sup> danellan

دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران که در مناطق نوزده‌گانه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به تحصیل اشتغال دارند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای، از میان مناطق آموزش شهر تهران (اعم از استثنایی و عادی) به‌طور تصادفی مناطق ۶، ۱۲ و ۱۵ انتخاب شدند. سپس از میان این مناطق ۴ مدرسه‌ی استثنایی (۲ مدرسه‌ی دخترانه و ۲ مدرسه‌ی پسرانه) و ۲ مدرسه‌ی ابتدایی عادی (۱ مدرسه‌ی دخترانه و ۱ مدرسه‌ی پسرانه) انتخاب شدند. سپس از میان این مدارس در پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی تعداد ۱۲۰ آزمودنی (در هر پایه ۴۰ نفر) به‌طور تصادفی انتخاب شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر نزدیک به روش مصاحبه سازمان‌یافته است. در این روش پرسش‌ها از پیش تعیین شده است ولی پاسخ‌ها از قبل طرح‌ریزی شده نیستند، از تمام پاسخگوها پرسش‌های مشابهی می‌شود ولی آن‌ها آزاد هستند که پاسخ خود را به هر طریقی که مایل‌اند ارائه دهند (دلاور، ۱۳۸۲). برای تحلیل داده‌ها از فنون آمار توصیفی استفاده شده است. به این ترتیب که بر اساس چگونگی پاسخ آزمودنی‌ها به داستان‌های جشن تولد، پول و گلدان سطح استدلال جامعه‌پسندانه آن‌ها (سطح غالب) با استفاده از توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌ها در هر پایه‌ی کلاسی مشخص می‌شود.

#### ابزار اندازه‌گیری

به‌منظور سنجش استدلال جامعه‌پسندانه از معماهای محقق ساخته استفاده شده است. در این معماها استدلال جامعه‌پسندانه مستلزم بی‌توجهی به آرزوها و تمایلات شخصی، به‌منظور کمک به دیگران است. طی این معماها از آزمودنی خواسته می‌شود تا بین ارضای نیاز خود و رفع نیازهای دیگران یک‌راه را برگزیند و ضمن آن، چرایی انتخاب، پیامد انتخاب و نوع احساسات فرد به هر دو انتخاب با سه سؤال مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به‌منظور بررسی روایی<sup>۱</sup> معماهای استدلال جامعه‌پسندانه، معماهای موردنظر به‌صورت مقدماتی بر روی ۲۰ نفر از افراد جامعه آماری اجرا شد تا اطمینان حاصل شود اولاً معماهای محقق ساخته برای افراد جامعه آماری قابل‌درک است و ثانیاً پرسش‌های پیش‌بینی شده برای این معماها توانایی تمیز و تفکیک سطوح استدلال جامعه‌پسندانه افراد

<sup>۱</sup> Validity

مورد مطالعه را دارد. پس از اجرای مقدماتی، اصلاحات لازم اعمال شد و فرم اصلاح شده به تأیید متخصصان ذی ربط نیز رسانده شد. همچنین به منظور پایایی<sup>۱</sup> معماهای استدلال جامعه پسندانه پس از انجام اصلاحات لازم، هر چند مقیاس اندازه گیری آن اسمی است، از روش باز آزمایی استفاده شد. به این ترتیب که ۲۰ نفر از افراد جامعه آماری به فاصله دو هفته از اجرای اولیه، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند مشاهده شد بین چگونگی توزیع افراد دربار اول و دوم مصاحبه در سطوح استدلال جامعه پسندانه تفاوت چندانی وجود ندارد. به این معنا که مجموع ۹۰ درصد آزمودنی‌ها در هر دو بار اجرای آزمون، در یک سطح استدلال کرده‌اند و درصد کمی از آن‌ها شرایط متفاوتی را تجربه نموده‌اند.

#### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص سطوح استدلال جامعه پسندانه کودکان کم توان هوشی و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی که بر مبنای پاسخ‌های هر پایه‌ی کلاسی و به تفکیک جنسیت در جدول‌های جداگانه ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی گروه نمونه به تفکیک پایه و جنسیت

عادی				کم توان هوشی			
کل	پسر	دختر	جنسیت پایه	کل	پسر	دختر	جنسیت پایه
۲۰	۱۰	۱۰	سوم	۲۰	۱۰	۱۰	سوم
۲۰	۱۰	۱۰	چهارم	۲۰	۱۰	۱۰	چهارم
۲۰	۱۰	۱۰	پنجم	۲۰	۱۰	۱۰	پنجم
۶۰	۳۰	۳۰	کل	۶۰	۳۰	۳۰	کل

<sup>۱</sup> Reliability

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کودکان دختر و پسر کم توان هوشی و عادی پایه سوم ابتدایی در سطوح استدلال جامعه پسندانه

عادی						کم توان هوشی						گروه
کل		پسر		دختر		کل		پسر		دختر		جنس
P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	شاخص های آماری
سطوح استدلال جامعه پسندانه												
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری لذت جویانه
۶۵	۱۳	۷۰	۷	۶۰	۶	۸۵	۱۷	۹۰	۹	۸۰	۸	سوگیری نیازهای دیگران
۳۵	۷	۳۰	۳	۴۰	۴	۱۵	۳	۱۰	۱	۲۰	۲	سوگیری تائید
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری همدلانه
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری ارزش های درونی شده
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	کل

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که اکثریت دانش آموزان کم توان هوشی دختر (۸۰ درصد) و پسر (۹۰ درصد) پایه سوم به سطح ۲ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری نیازهای دیگران) گرایش نشان داده اند، هرچند تمایل دانش آموزان دختر کم توان هوشی پایه سوم به سطح ۳ در مقایسه با دانش آموزان پسر کم توان هوشی بیشتر است، اما تجمع پاسخ ها در سطح ۲ فراوان تر است و سایر سطوح توجه درصد کمی از آنان را به خود جلب نموده است.

این امر در مورد دانش آموزان عادی دختر و پسر پایه سوم نیز صادق است. چنانچه اکثریت دانش آموزان عادی دختر (۶۰ درصد)



و پسر (۷۰ درصد) پایه سوم ابتدایی در پاسخ به معماهای مطرح شده به سطح ۲ استدلال جامعه پسندانه گرایش نشان داده‌اند. هر چند تمایل دانش آموزان دختر عادی به سطح ۳ در مقایسه با دانش آموزان پسر عادی بیشتر است؛ اما تجمع پاسخ‌ها در سطح ۲ فراوان‌تر است. این نتایج بیانگر این مطلب است که اکثریت دانش آموزان دختر و پسر کم توان هوشی عادی پایه‌ی سوم ابتدایی به نیازهای مادی و فیزیکی دیگران در همدلی توجه بیشتری نشان می‌دهند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کودکان دختر و پسر کم توان هوشی و عادی پایه‌ی چهارم ابتدایی در سطوح استدلال جامعه پسندانه

عادی		کم توان هوشی						گروه				
کل		پسر		دختر		کل		پسر		دختر		جنس
P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	شاخص‌های آماری
سطوح استدلال جامعه پسندانه												
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری لذت جویانه
۲۵	۵	۲۰	۲	۳۰	۳	۸۵	۱۷	۸۰	۸	۹۰	۹	سوگیری نیازهای دیگران
۷۰	۱۴	۸۰	۸	۷۰	۶	۱۵	۳	۲۰	۲	۱۰	۱	سوگیری تأیید
۵	۱	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	سوگیری همدلانه
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری ارزش‌های درونی شده
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	کل

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که اکثریت دانش آموزان کم توان هوشی دختر (۸۰ درصد) و پسر (۹۰ درصد) پایه ی چهارم ابتدایی به سطح ۲ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری نیازهای دیگران) گرایش نشان داده اند و سایر سطوح توجه درصد کمی از آنان را به خود جلب نموده است. هرچند تمایل دانش آموزان دختر کم توان هوشی به سطح ۳ در مقایسه با دانش آموزان پسر کم توان هوشی بیشتر است اما تجمع پاسخ ها در سطح ۲ فراوان تر است. در مورد دانش آموزان عادی دختر و پسر، اکثریت دانش آموزان عادی دختر (۸۰ درصد) و پسر (۷۰ درصد) پایه ی چهارم به سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری تأیید یا پذیرش دیگران) گرایش نشان داده اند. هرچند تمایل دانش آموزان دختر عادی در مقایسه با دانش آموزان پسر عادی به سطح ۳ بیشتر است. این نتایج بیانگر این مطلب است که تمایل دانش آموزان دختر و پسر عادی به سطح ۳ در مقایسه با دانش آموزان دختر و پسر کم توان هوشی پایه ی چهارم ابتدایی بیشتر است. بدین معنا که آن ها در مورد چرایی کمک به دیگران در مقایسه با دانش آموزان کم توان هوشی به روابط کلیشه ای و بین فردی توجه بیشتر نشان می دهند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کودکان دختر و پسر کم توان هوشی و عادی پایه ی پنجم ابتدایی در سطوح استدلال جامعه پسندانه

عادی		کم توان هوشی						گروه				
کل		پسر		دختر		کل		پسر		دختر		جنس
P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	شاخص های آماری
سطوح استدلال جامعه پسندانه												
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری لذت جویانه
۱۵	۳	۲۰	۲	۱۰	۱	۷۰	۱۴	۷۰	۷	۷۰	۷	سوگیری نیازهای دیگران

۳	۳۰	۳	۳۰	۶	۳۰	۹	۹۰	۸	۸۰	۱۷	۸۵	سوگیری تأیید
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری همدلانه
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	سوگیری ارزش‌های درونی شده
۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	کل

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که دانش آموزان کم توان هوشی دختر (۷۰ درصد) و پسر (۷۰ درصد) پایه‌ی پنجم ابتدایی به سطح ۲ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری نیازهای دیگران) گرایش نشان داده‌اند و دلیل اصلی همدلی و کمک به دیگران را توجه به نیازهای دیگران دانسته‌اند و سایر سطوح توجه درصد کمی از آنان را به خود جلب نموده است و از لحاظ جنسیت (دختر و پسر) هر دو در یک سطح و به موازات هم استدلال نموده‌اند؛ اما در مورد دانش آموزان عادی دختر و پسر، اکثریت دانش آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی در پاسخ به معماهای مطرح شده به سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری تأیید یا پذیرش دیگران) گرایش نشان داده‌اند، هرچند تمایل دانش آموزان عادی دختر (۹۰ درصد) به سطح ۳ در مقایسه با دانش آموزان عادی پسر (۸۰ درصد) بیشتر است. این نتایج بیانگر این مطلب است که تمایل دانش آموزان دختر و پسر عادی پایه‌ی پنجم ابتدایی به سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه در مقایسه با دانش آموزان دختر و پسر کم توان هوشی بیشتر است. بدین معنا که آن‌ها در مورد چرایی کمک به دیگران در مقایسه با دانش آموزان کم توان هوشی به روابط کلیشه‌ای و بین فردی توجه بیشتر نشان می‌دهند.

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کودکان دختر و پسر کم توان هوشی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی

گروه		سوم						چهارم						پنجم					
جنس		دختر		پسر		کل		دختر		پسر		کل		دختر		پسر		کل	
شاخص‌های آماری		P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F
سطوح استدلال جامعه پسندانه		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری لذت جویانه		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری نیازهای دیگران		۸	۸۰	۹	۹۰	۱۷	۸۵	۸	۸۰	۹	۹۰	۱۷	۸۵	۷	۷۰	۷	۷۰	۱۴	۷۰
سوگیری تأیید		۲	۲۰	۱	۱۰	۳	۱۵	۲	۲۰	۱	۱۰	۳	۱۵	۳	۳۰	۳	۳۰	۶	۳۰
سوگیری همدلانه		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری ارزش‌های درونی شده		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
کل		۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰

بنا بر نتایج جدول ۵ دانش آموزان دختر کم توان هوشی در هر سه پایه‌ی کلاسی (سوم، چهارم و پنجم) تمایل بیشتری به سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری تأیید) نسبت به پسران کم توان نشان داده‌اند. این امر بیانگر این مطلب است که دانش آموزان دختر کم توان هوشی در گذر از سطوح استدلال جامعه پسندانه کمی سریع‌تر از دانش آموزان پسر کم توان هوشی حرکت می‌کنند و به روابط بین فردی در کمک به دیگران تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصد فراوانی کودکان دختر و پسر عادی پایه های سوم تا پنجم ابتدایی

گروه		سوم						چهارم						پنجم					
جنس		دختر		پسر		کل		دختر		پسر		کل		دختر		پسر		کل	
شاخص های آماری		P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F	P	F
سطوح استدلال جامعه پسندانه		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری لذت جویانه		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری نیازهای دیگران		۱۵	۳	۲۰	۲	۱۰	۱	۲۵	۵	۳۰	۳	۲۰	۲	۶۵	۱۳	۷۰	۷	۶۰	۶
سوگیری تأیید		۸۵	۱۷	۸۰	۸	۹۰	۹	۷۰	۱۴	۷۰	۶	۸۰	۸	۳۵	۷	۳۰	۳	۴۰	۴
سوگیری همدلانه		-	-	-	-	-	-	۵	۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
سوگیری ارزش های درونی شده		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
کل		۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰

بنا بر نتایج جدول ۶ دانش آموزان دختر عادی در هر سه پایه ی کلاسی (سوم، چهارم و پنجم) در مقایسه ی با پسران عادی تمایل بیشتری به سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه نشان داده اند.

این امر بیانگر این مطلب است که دانش آموزان دختر عادی در گذر از سطوح استدلال جامعه پسندانه کمی سریع تر از دانش آموزان

پسر عادی حرکت می‌کنند و به روابط بین فردی و کلیشه‌ای توجه بیشتری نشان می‌دهند.

### بحث و نتیجه‌گیری

به‌طورکلی هدف از پژوهش حاضر مقایسه‌ی استدلال جامعه‌پسندانه کودکان کم‌توان هوشی و عادی دختر و پسر است. کودکان در اکثریت موقعیت‌های روزمره باید تصمیم بگیرند جامعه‌پسندانه عمل کنند (برک، ۱۹۹۸) آن‌ها از حیث چگونگی نشان دادن گرایش‌های جامعه‌پسندانه باهم تفاوت دارند. این تفاوت در سبک پاسخ‌های جامعه‌پسندانه کودکان وجود دارد (هترینگتون و پارک، ترجمه ژالدفر، ۱۳۶۸). همانند سایر دیدگاه‌های رشد اخلاقی، پیشرفت در مراحل استدلال جامعه‌پسندانه از توجه به پیامدهای بیرونی به سمت مبنای درونی و اصولی در استدلال سوق پیدا می‌کند (داهلر و باکاتکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). نتایج پژوهش حاضر بیانگر این مطلب است که آزمودنی‌های دختر درگذر از سطوح استدلال جامعه‌پسندانه کمی سریع‌تر از آزمودنی‌های پسر حرکت می‌کنند. نتایج برخی پژوهش‌های نیز حاکی از این مطلب است که رفتارهای مبتنی بر همدردی، نوع‌دوستی و ملاحظه کردن دیگران، کمک کردن و سهیم شدن با دیگران در دختران کمی بیشتر از پسران (پاپالیا<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). در این رابطه پاپالیا و الدز (۱۹۹۶) معتقدند این موضوع ممکن است تحت تأثیر شیوه رفتاری والدین با فرزندان دختر و پسر باشد، زیرا دختران کمتر از پسران تنبیه می‌شوند، با آن‌ها بیشتر عاطفی برخورد می‌شود، در مورد پیامدهای اعمالشان به آن‌ها توضیحات بیشتری ارائه می‌شود و به‌طورکلی دختران بیشتر تشویق می‌شوند که به دیگران کمک کنند. این موضوع با یافته‌های (ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸) مبنی بر اینکه دختران در استدلال اخلاقی درونی شده و در تصورات قالبی نمرات بالاتری از پسران کسب می‌کنند و همچنین با یافته‌های یوسفی و همکاران (۱۳۷۷) مبنی بر گذر سریع‌تر دختران از سطوح استدلال جامعه‌پسندانه نسبت به پسران همخوانی دارد. در مورد دانش آموزان دختر و پسر کم‌توان هوشی نتایج پژوهشی حاضر بیانگر این مطلب است که تجمع پاسخ‌های دختران به

<sup>1</sup> Daehler and Bakatko

<sup>2</sup> Papalia

معماهای مطرح شده در سطح ۳ استدلال جامعه پسندانه (سوگیری پذیرش دیگران) نسبت به پسران بیشتر است. روند رشد استدلال جامعه پسندانه در کودکان کم توان هوشی نسبت به کودکان عادی تا سن ۱۱ سال، توجه به نیازهای دیگران (سطح ۲) می باشد و در این سطح هم باقی می ماند ولی کودکان عادی به موازات همین سن (۱۱ سال) به روابط بین فردی (سطح ۳) توجه نشان می دهند و با افزایش سن درکشان نسبت به چرایی عملکردها بیشتر است. در نهایت پیشنهاد می شود جهت تقویت استدلال جامعه پسندانه کودکان کم توان هوشی بیشتر توجه کرد تا بتوان آن ها را نیز به حالت کودکان عادی رساند. محدود بودن پایه‌ی کلاسی آزمودنی‌ها پایه سوم تا پنجم ابتدایی و تعداد آزمودنی‌ها در هر پایه‌ی کلاسی و عدم مکان مناسب در مدارس برای انجام مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات از جمله محدودیت‌های پژوهش می باشد.

## منابع

- خوش اقبال، شکوفه. (۱۳۸۱). مقایسه‌ی درک دیدگاه و رشن اجتماعی کودکان کم توان و عادی ۹-۱۰ ساله شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- هترینگتون، ای میویس و پارک، راس دی. (۱۳۸۶). روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر. ترجمه: تقی ژالدفرد، مشهد: آستان قدس رضوی (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی موجود نیست).
- یوسفی لویه و همکاران. (۱۳۷۷). تحول استدلال جامعه پسندانه کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۵ سال شهر تهران. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- Berk, I. (1998). Child development. Boston: auyn and Baco.
- Chadha, N., Misra, G. (2006). Prosocial reasoning and behavior among Indian children. A naturalistic Study, 2, 167-199.
- Cialdini, R. B., Bowman, J., Kanderic, M. (1998). Three related but distinct vicarious affective response to another's suffering. Personality and social psychology Bulletin, 14, 312-325.

- Daehler, M. W., Bakatko, D. (2001). The development of self understanding from infancy through adolescence. *Child development*, 53, 841-864.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A. (1995). Young children's coping with interpersonal anger. *Child development*, 63, 116-128.
- Eisenberg, N., Miller, P. (1995). The reaction of empathy to prosocial and related behaviors. *Psychological Bulletin*, 10, 101-119.
- Eisenberg N., Mussen, P. (1998). *The roots of prosocial behavior in children* Cambridge University press.
- Eisenberg, J. (2001). Children's social sensitivity: in forming emotions of conflicting case. *Developmental psychology*, 19, 805-814.
- Flavell, J. H. (1995). *Social cognitive development*. New York: Cambridge university press.
- Moffat, C. W., Hanley-Maxwell, C., Danellan, A. M. (2001). *Discrimination of Emotion effective perspective-taking and empathy in individuals*.
- Papalia, D. E., Olds, S. (1996). *Human development*. New York: McGraw Hill, Inc.
- Sigelman, K., Shaffer, D. K. (2001). *Lifespan*, California: Brooks/Cole Company